

به نام خدا

## نشست روز اسناد - مورخ ۹۵/۲/۱۹

سخنران: دکتر عبدالرسول خیراندیش

### مطلبی که درباره اش صحبت می کنم عنوانش اینه: اسناد عمومی، دموکراسی یا بروکراسی

یک بحث نظری خواهیم کرد ولی پایانش یک نتیجه گیری عملی برای شما ها خواهد شد راجع به تاریخ خانوادگی. خب تا یه کمی فکر کنید و من وارد اصل بحث می شم یک مقدمه نامربوط می گم اول من تشکر می کنم از جناب کمالی که سبب این جلسه شدن. یکی دیگه اینکه از اینکه جمع تون جمع یعنی چند نفر اومدن که می خوان یه چیزی بشنوند اینکه کار دیگه ای ندارند این خیلی بهتره تا اینکه یک گله ای از آدم. اگه سئوالی، صحبتی، مطلبی، بحثی دارید مطرح کنید منم از شما می تونم یاد بگیرم این طور نیست که من همش می تونم به شما یاد بدم. اما دهه ها می گذره که یک بحثی راه افتاده تحت عنوان مراکز اسناد. تقریباً در تمام کشورهای پیشرفته دنیا مراکزی برای اسناد وجود داره بهتر هست بگیرم مراکز اسناد آرشیوی که همه سندها که الان شما هم در اختیار تون هست عمدتاً آرشیوی هست و به غیر از آرشیو بسیار کم هست حتی در دنیا هم کم هست. البته سند هر چیزی ست که بتونه به ما یک آگاهی رو منتقل کنه، تعریف سند اینه. گفتن هر چیزی که بتونه یک آگاهی رو به ما منتقل کنه حالا چه کاغذی باشه، چه سنگی باشه به هر شکلی می خواد باشه. کتیبه بیستون هم یک سند مال چند هزار سال پیش. دیدید چیز جدیدی بحث سند نیست اما اینکه اسناد آرشیوی شکل بگیره مراکزی تحت عنوان بایگانی ها وجود داشته باشه و بعداً تابع یک نظم جهانی باشه مثل سازمان جهانی آرشیوها و اسناد و در هر کشوری یک سازمان اسناد ملی به وجود بیاد و اینا یکی از خصوصیات دوره مدرن هست، یعنی تلازم و تقارن داره با شکل گیری دولت، جامعه و انسان مدرن و این از چند قرن خیلی اون طرف تر نمیره. شاید هم در جایی مثل کشور ما الان حدود ۵۰-۴۰ سال هست که چنین مراکزی راه افتاده ما بیشتر هم تلقی علمی از بحث داریم ولی در اصل این طور نبوده یعنی کسی این تصور رو در اختیار نداشته که راجع به اسناد بخوان کار علمی بکنن بلکه دلایل و مسائل دیگری رو داشته که باز با همین بحث شکل گیری انسان، جامعه و دولت مدرن تناسب داشته و از اون لحاظ به چه معنا! اسناد در یک دوره طولانی حسب اینکه تا چه میزان کاربرد اون در جامعه نقش داشته مکتوبات می تونسته مذموم فرمانروایان رو بیشتر در خودش داشته باشه مثلاً پادشاهی دستور داده یک فرمانی صادر بشه. کسی هم حقی بر اون فرمانروا نداشت اون فرمانروا هم هر حقی بر هر کسی داشت دوره های قدیم این طور بود دیگه. از این معنا که میاید بیرون اسناد بیشتر ناظر بر مالکیت شخصی بود یه کسی ازدواج کرده، یه قباله ای براش نوشتن. یه کسی زمینی خریده و براش قباله ای نوشتن شما عمده اسنادی که می بینید به همین صورت هست. اگر خارج از این دو معنا ببینیم یعنی یا ملک فرمانرواست یا ملک شخص از نظر مالکیت یک زمین یه چیزی. چیز دیگه ای وجود نداره مگر اینکه شما برید در کتاب های بخصوصی که راجع به فن انشاء هست ببینید در مورد مکاتبات در هر سطحی و از هر نوعی حالا ببینید چه بحث هایی هست چه الگوهای نامه نگاری هست مثلاً کتاب عتبه الکتبه یک کتاب شناخته شده هست، کتاب دستورالکاتب فی تعیین المراتب نوشته نبوشا نخجوانی در ۲۴ جلد بزرگ، کتاب صبح اعشا فی صناعت انشا ۱۴ جلد توی اینها نمونه هایی از نامه ها اومده که مثلاً اگه خواستیم به فرمانروای چین نامه بنویسیم، چه طوری باید بنویسیم؟ حالا

نمونه ای هم آورده و ممکنه که اتفاقاً برای ما هم یه مطلب تاریخی داشته باشه و بتونیم ازش استفاده کنیم ، کتابهای ارزشمندی از این نمونه کتاب هم خیلی هست، اروپایی ها هم در بحث اسناد اگر سمت ما رو نگاه کنید اولین چیزهایی که خواستن ببینن و گرفتن همین ها بود، کتابهایی هم خودشون نوشتن در فن نامه نگاری مثلاً فارسی که چه طوری به پادشاه ایران باید نامه نوشت ، با چه القاب و عناوینی و چه شکل و ترتیبی چون به غیر از این بود قبول نمی شد. الان تنها جایی که تا حدی من اطلاع دارم در این قالب هنوز سند تولید می شه وزارت امور خارجه هست، اونها بایستی در یک قالبهای معینی مکاتبات خودشون رو بنویسند ، میدونید که در قدیم به وزارت امور خارجه مثلاً می گفتن اداره مراسلات ، اداره ترسل، و حتی در دوره فتحعلی شاه که اولین بار بحث وزارت امور خارجه مطرح شد هنوز ما کسی رو داشتیم که مقام رسائل رو بر عهده داشت، بعداً شد وزارت خارجه. همین الان باید اینها رو خیلی دقیق رعایت کنن، که به پادشاه آمریکا چه طوری بنویسن، به پادشاه انگلیس چه طوری بنویسن، به رئیس جمهور یه جای دیگه چه طوری بنویسن. این قواعد رو دارن. اما اینها هیچ کدام در بحث اسناد عمومی نیامد بلکه وقتی بحث اسناد عمومی پیش آمد که مفهوم دولت ملت شکل گرفت یعنی گفتن دولت برخواسته از مردم هست و حقی بر دولت برای مردم تعیین شد از این جهت که مالیات می پردازند در نتیجه یک اداره ای شکل گرفت در هر دولتی به نام مالیه عمومی، این مالیه عمومی اسنادی داشت که یک طرفش دولت بود و یک طرفش یک دولت دیگری بود یا شخصی بود، این قسمت از اسناد که یک طرفش به مالیه عمومی یا خزانه کشور مربوط می شد در دموکراسی های جدید می گفتن حق مردم هست که ببینن این سندها رو، به همین جهت هست که مثلاً آرشیو ملی انگلستان رو که از اولین نمونه این ادارت هست سالها اسمش بود **public record office** اداره اسناد عمومی، ببینید اصلاً بحث تحقیق و این چیزها در کار نیست یه مقدار سند اداریست از کجا معلوم که چیز تحقیقی به درد بخوری درونش داشته باشه اینکه ارزش تحقیقی سند داشته باشه بستگی به محقق دارد که دنبال چی باشه، شاید یه چیزی رو خیلی ها بگن به درد نمی خوره ولی اون بتونه چیزی ازش بفهمه، یا اینکه از این اسناد بشود کاری دیگری انجام داد نیست، خیلی از این اسناد اصلاً سری نیست مخفی نبوده گاهی، مثلاً صورت مذاکرات مجلس انگلیس، چیز مخفی ای نبوده علناً که صحبت می کنن یادداشت می کنن همیشه که داشتن من میتونم استفاده کنم ازش، منعی نبوده حتی، منتهی بعد از مدتی مثلاً دوره ۳۰ ساله منتقل می کردن به جایی که راحت تر مردم بتونن استفاده کنن، اگر چیزی به هر دلیلی سری امنیتی، دفاعی و امثال اون هم بوده برش میداشتن، اصلاً منتشرش نمی کنن، پنهان هم نمی کنن، می گن نمی شه کسی ببینه، چون ما مثلاً در همین **public record office** که الان اسمش شده مرکز اسناد ملی انگلستان اسمش شده تازه میرید یه سندی که میزارن جلوی یه پرونده ای، نمی پرسن که تو کی هستی چی هستی کجایی هستی، هیچ مشکلی نداره راحت میتونی ببینی، البته خب ترتیبات حفاظتی و حراستی شون شون خیلی دقیق و خوب هست. البته خب چیز محرمانه ای داخلش نیست ، اگر همچین چیزی بوده باشه روش نوشته که چهار تا سند از این پرونده ما برداشتیم، جای تیغ زدنش هم معلومه، انکاری هم ندارن در این قسمت. اما اینکه بتوانند مردم سندی رو ببینن نه محقق فقط هر کسی ، این رو از نظر خودشون حق عمومی میدانند در همان راستای دموکراسی برای نظارت بر عملکرد دولت درباره آنچه که عمومی به حساب میاد ، به همین جهت نوشته که فلانی چقدر حقوق می گرفته پنهان نکرده حالا ممکنه در کشور ما همین فیش حقوقی معمولی رو هم محرمانه حساب کنیم بگیریم کسی نباید بفهمه به هر دلیلی که داریم یا نداریم. هر جامعه ای اقتضاعات خودش رو داره به هر حال نمی خوایم اثبات یا ردش کنیم. اینکه مراکز سندی شکل گرفت شأنی از شئون دموکراسی دانسته شده و از شئون دموکراسی حق نظارت و مشارکت عمومی ست این اصطلاحات سیاسی هست که معمولاً توی این سالها شاید ما زیاد هم شنیدیم این ور و اون ور از این عبارات و کلمات، و اینکه بایستی ادارات حتما شفافیت داشته باشند که این کلمه هم زیاد شنیده می شود، یک جنبه از شفافیتش این هست که هر آنچه انجام میدن از بودجه عمومی، خزانه بقبولاً بایستی به

طور کاملاً آشکاری برای همه مردم در دسترس باشد تا بتونن ببینن شفافیت عملکرد دستگاه ها و مسئولین و هر جایی در هر کاری هست حالا اگه این سندها نکات بالارزشی درش هست از جنبه های تاریخ نگاری یا تحقیقات فرهنگی، اجتماعی هر نوع دیگری بله این امر ثانوی ست و الا در همون کشور انگلستان آرشیو هایی هست خصوصی این طور نیست درش رو همه وا باشه خیلی مراکز آرشیوی هست. شرکت بی پی خودش یک آرشیو مخصوص داره. آرشیو های خانوادگی خیلی هست. البته به دلیل اینکه ثبت و ضبط می کردن آرشیو های پرسابقه ای دارند ما هم داشتیم در جهان هم همیشه بوده. الواح تخت جمشید نمونه ای از این سندهاست شما ببینید تا بیاد دوره های بعد ولی معمولاً در تاریخ ما این طور بوده هر تحول سیاسی که رخ میداد یک سلسله به سلسله دیگه سندها رو از بین می بردن حالا به هر دلیلی که می خواست بوده باشه. موقعی که افغان ها دور اصفهان رو گرفتن قزل باش ها دفاتر املاک رو ریختن توی زاینده رود که معلوم نباشه کی کجا ملک داره، نداره، مالیاتش رو داده یا نداده. به همین جهت محمود افغان هم موقعی که نشست در اصفهان بر تخت گفت من کاری به این چیزها ندارم من جرّمالی می کنم جریمه به قول خودش هر کی باید این قدر پول بده کاری به سند و حرف و محاسبه و این جور چیزها دیگه نداشت. سندها خب خوب نگهداری نشده بودن خیلی ما سند قدیم نداریم محدود چیزهای اتفاقی باقی مونده باشه. پس ببینید اینکه شما می بینید یک مراکزی به نام سند و اسناد شکل گرفته در اصل مربوط به شئون دموکراسی ست بعد در معانی دیگری و فواید دیگری برش وارد شده این حق عمومی دانسته می شه که بتونن به اسنادی که مربوط به مالیه عمومی و اوضاع عمومی کشور هست دسترسی داشته باشند. اما وقتی که این حجم اسناد شکل گرفت آنچنان که مستلزم ارائه آن به صورت یک سازمانی با سابقه های قابل حفظ و نگهداری و ارائه و چیزهایی از این قبیل شد یک بحثی پیش اومده که این حجم کاغذ و سند تولید شده در دوره دولت های مدرن آیا گویای اصالت انسان در لابه لای اسناد نیست؟ چون اگه سرگذشت آدم های یک جامعه رو بخوایم ببینیم کجا بهتر از همین سندها به طور واقعی در مورد هر کس یا هر چیزی به خصوص آدم ها اطلاعات در این کاغذها وجود داره. هیچ جا و هیچ چیزی به اندازه این اسناد درباره آدم ها و سرگذشت و سرنوشتشون مطلب نداره چرا این بحث پیش آمد! سندهایی که قبلاً بود اگر در امور و مسائل ملکی بود در خود دربار و جاهای خاصی بود، دست کسی بهش نمی رسید یا لازم نبود اصلاً و بقیه سندهایی که اگر در اختیار مردم بود اسناد ملک بود یعنی برای یک ملک و مالی و جابه جایی ملک و مالی سند ساخته می شد. اما برای آدم ها که سند ساخته نمی شد. الان در دوره جدید به ضرورت عاملیت و حاکمیت دولت بر مملکت و ملت که همه به اصلاح شهروند بهش می گند میان برای هر آدمی در بدو تولد سندی صادر می کنند اداره سجلات که این سند تولد فلانی ست مثلاً این سند هویتی فلانی ست بعد میره درس می خونه انواع کاغذ و کارنامه و ثبت نام و این چیزها برایش صادر می شه بعد ازدواج می کنه سند و بند و بساط تو ده تا دفتر می نویسند بعد نمی دونم می میره باز انواع کاغذ و سند و مدرک برایش فراهم می کنند. علت به وجود اومدن این کاغذها چیست؟ آیا این کاغذها از آدم ها اعتبار گرفته یعنی یه آدمی هست به طبع اون این کاغذها شکل می گیره؟ یا اینکه نه سرانجام این آدم هست که برای این کاغذها معنا پیدا کرده. شما جوابش رو خیلی خوب می تونید بدید الان هر کسی می گه شناسنامه اش رو بذاره کنار ببینه کی می شناستش. این بحث دنباله بحث انسان شناسی قرن هجدهم مطرح شد که انسان چیست؟ هویتش از کجاست؟ شخصیتش چگونه شکل می گیره؟ سرنوشتش در یک سیستم چگونه تعریف و تعیین می شه یعنی چه برنامه ای برای زندگی اون هست. مثلاً اگر یک مرد هست چگونه سجل می شه، نحوه اسم گذاری، محل تولد اینا چه حقوقی برایش مترقب بهر حال حاکمیت دولت اون که نمی تونه از یک سرزمین بره سرزمین دیگه، در این سرزمین یه حقوقی داره مثل مالکیت، مثل رای دادن، مثل فلان حالا اگه بره یه کشور دیگه این حقوق ازش سلب می شه همه اینا مطابق چیه این اسناد. حالا می خواد بره یک کشور دیگه گذرنامه بگیر، اجازه بگیر، خروج بگیر، ورود بگیر هر نوعی که هست چون اینا همش مسائل حقوقی پشتش هست یعنی به فرض در یک دوره ای اگر

یه کسی از یه کشوری رفت یه کشور دیگه جرمی در اونجا مرتکب می شد مطابق تربیتی که شده بود مجازات می شد نه مطابق سرزمینی که درش جرم واقع شده ولی در دوره جدید، دوره مدرن هر کس در هر خاکی جرمی مرتکب بشه مطابق قانون همون خاک باید مجازات بشه. اون اصل قبلی چیزی بود که ازش کاپیتولاسیون می اومد بیرون و الان هم همین طوره. شما هر جا که میرید باید تابع قانون اون کشور باشید اینا لازمش اسناد و مدارک سجلی، پرسلی و امثال این چیزهاست. یک شعبه ای از علم حقوق شکل گرفته به نام حقوق بین الملل خصوصی اون حقوق عمومی بیشتر روابط دولت هاست ولی حقوق خصوصی مربوط به انسان ها و رابطه ملل هاست وقتی که جابه جا می شن. این همه سند و کاغذی که می خواد هویت و بیشتر از اون موجودیت یک آدم رو یا اثبات بکنه یا نفی بکنه یا به هر نحوی تعریفش بکنه. به این می گن دیپلم، به اون می گن لیسانس، به اون می گن فوق لیسانس، به اون می گن دکتر، به اون می گن مهندس به اون می گن یه چیز دیگه ای بهرحال اینا از کجا میاد. مستند داره دیگه. حالا ممکنه بگیم که فعالیتی کرده تا این کاغذ تولید شده اما بعدش دیگه کسی اون فعالیت رو مدنظر نداره این کاغذ که داره حرف می زنه. این رو بهش می گن بروکراسی و در حدی جلو رفته که واقعیت اینه این کاغذها داره ما رو معنا می کنه الان و به ما حقی و حقوقی رو میده یا سلب می کنه. این کاغذها اعتبار می خواد آنچه که ما به عنوان سجلات و هر چیز دیگری مربوط به اشخاص اعتبارش رو از کجا می گیره از دولت. یعنی هر کدوم از این کاغذها و سجلات از یک دولتی صادر می شه، نمایندگان دولتی، دستگاه های دولتی هست که صادر می شه مثل اداره ثبت احوال. خب آیا بدین ترتیب بروکراسی ابزاری برای اعمال حاکمیت دولت ها بر مردم نیست بر تک تک آدم ها و انسان ها و آیا انسان جدید در دولت مدرن انسانی درگیر در لابه لای اسناد نیست. دیگه خودش نیست. این بحث ها در ردیف بحث های انسان شناسی قرن هجدهم شروع شد، در قرن نوزدهم بیشتر شد با بحث های از خودبیگانگی باز هم بیشتر شد جوری که یک عده ای روی این بحث کردند که آیا چنین اسنادی که تولید می شه در مراحل مختلف زندگی آدم به یک نحوی نفی آزادی انسان نیست. اگر انسان بخواد آزاد باشه حالا مثلاً در اون معنایی که روسو می گه یا در معنایی که هگل می گه یا هر شخص دیگری چه قدری این کاغذ و سندهای به وجود اومده می تونه اونو در یک قفسی در یک مجرای بندازه که با انسانیت اون مغایرت داشته باشه چیزی که الان تحت عنوان حکم طبیعی و حقوق بشری و امثال اون مطرح می شه. رو این نظر بحث هایی شروع شد که بروکراسی آیا ابزاری ست در خدمت دموکراسی یا ابزاری ست در خدمت استبداد؟ یکی از کسانی که خیلی روی اینا بحث کرده و بحث های قوی ای کرده مارکس و بر از جمله کسای دیگری که روی این معنا خیلی بحث کرده راسل هست کتاب داره به نام آزادی و سازمان که شما حالا به تعبیری من اینجا یه گوشه ایش رو استفاده می کنم خودتون به ما هو انسان بودنتون معنا دارید و ارزش دارید و جایگاه دارید یا اینکه نه حسب این اوراق و کاغذهاست که شما دارید حق و حقوقی رو دارا می شید یا ازتون سلب می شه یا در چارچوب اینا معنا می شه و جایگاه تون و پایگاه تون در جهان. این حجم اسناد و این اسنادی که بهرحال به سجلات و احوال خصوصی مربوط می شد کم کم مورد ایراد واقع شد. ایرادی که براین قسمت وارد می شد درست که در مورد انسان به معنا و مفهوم اون بود اما یک درد خیلی قوی بر دولت بود و موقعیتش در جامعه. روی این نظر هر چند همه این رو پذیرفتن سرانجام هم دولت های مدرن که در اروپا شکل گرفته بود هم دولت هایی که در آسیا و خیلی جاهای دیگه شکل گرفت به طبع نوگرایی سازمان های اداری و بروکراسی و امثال اون رو شکل دادن که نمونه مشخصش رو از دوره رضاشاه به بعد در ایران می بینیم که این نحوه حاکمیت دولت بر مردمان تا چه اندازه ای صحیح هست یا نیست ولی هیچ وقت از بارش کاسته نشد به هر دلیلی، وجوهات مختلف می تونه داشته باشه حفظ حقوق عمومی، حفظ اموال عمومی، حفظ مسائل ایمنی، نیازهای دفاعی و هر چیزی از این قبیل، پرداخت مالیات اما کم کم مواجه با یک پدیده جدیدی شدیم اون که سنگینی دولت زیر بار تولید چنین اسنادی برای خودت دولت مسئله شد در دنیا که آیا سنگینی وزن دولت برای تولید و اداره چنین اسنادی که آدم ها رو در یک مجرای

معینی پیش ببره تا به خاک بسپارشون و بعد از به خاک سپردن این اسناد خیلی راحتش نذاره این برای خود دولت ها خیلی سنگین و هزینه بر شده و چگونه این رو انجامش بدن. یک حدی اومدن تکنولوژی دیجیتال خب یک راحتی ها و سرعت هایی به این نوع کارها داده ولی آدم ها رو بیشتر اسیر کرده. هزینه هایی که از این بابت برای دولت ها ایجاد می کرد و محدودیت هایی که برای انسان ها ایجاد می کرد کم فکر کاهش بروکراسی رو مطرح کرد و این یک جریان خیلی قوی شد در کشورهای پیشرفته و به شکل های گوناگون خودش رو نشون داد که حتی ابعادی از اون رو ما از حیطة اخلاق می تونیم ببینیم که همه چی احتیاج به ثبت و ضبط نداره تا حدودی هم در این معنا موفق بودند یعنی بار بروکراسی رو کم کردند و این بدین معناست که حجم تولید سند کمتر بشه در نتیجه ورودی آرشیو ها هم بتدریج کمتر خواهد شد. یعنی شما یک دوره ای رو دارید که دولت مدرن شکل می گیره حجم تولید سند رفته بالا رفته بالا یعنی همزمان با بالارفتن بار مسئولیت دولت ها در قبال افراد جامعه و اعمال حاکمیت بر مردم اما دیگه بعدش دو جریان اومده که حجم تولید اسناد رو می خواد کم بکنه هنوز نمی تونیم به یقین بگیم بله این طور شد تمام شد یکی اینکه دیجیتال آمد وسط و از طرف دیگر بار مسئولیت دولت رو کلی کم بکنند. الان در دنیای امروز می گن دولت دو تا وظیفه بیشتر نداره یکی امنیت یکی عدالت. غیر از این دیگه وظیفه ای برای دولت در دنیای امروز نمی شه مطرح کرد که این دوتاش هم به حوزه حریم عمومی بر می گرده حریم خصوصی رو نه و تا جایی که به حقوق بشری دامن نزنه و چیزی رو نفی نکنه اگر سبک شدن بار دولت حداقل با این حجت که هزینه دولت بیاد پایین محقق بشه به طور کامل خود به خود تولید سند هم کم خواهد شد. این چیزی که باید در سی ساله های بعد که معمولاً آرشیو ها برگردان می شه به اسناد عمومی دید این رو اما در قبال همین بحث هم یک احساس خطرها و هشدارهای جدیدی به وجود اومده و اون اینکه دیجیتال داره می شه همه چیز و سند کاغذی یا هر نوع شیئی ات برای سند چندان دیگه نیست، آیا حافظه بشر رو با خطر مواجه نمی کنه چون به هر حال این اسناد در هر معنای خوب یا بد قسمتی از حافظه بشر است، قسمتی از یک دوره ای از تاریخ بشر رو در خودش داره که شما می تونید بهش رجوع کنید، کار کنید و استفاده کنید ازش، این هشدار در مورد این چیزها است، به همین جهت گرایش هایی به این نحو شروع شده که در کنار هر نوع تولیدات دیجیتال یه مقدار تولیدی مبتنی بر شیئیات از آن برای بایگانی کردن به وجود بیاید. حالا صرف نظر از اینکه چقدر از این مدرک می تونه معتبر باشه قابل عرض در محکمه باشه اینها مطرح هست. تمام نشده این بحث ها اما به لحاظ اینکه حافظه بشر با دیجیتال ممکنه در معرض خطر قرار بگیرد و دیگه حافظه ای تولید نشود برای آینده و چیزی نماند برای آینده. شما می تونید با فشار یک دکمه حافظه اینو پاک کنید و یک مجموعه هزاران میلیون ها عکس رو نابودش کنید. این به این ترتیب می تونه امنیتی برای حفاظت اسناد به وجود بیارن و بتونن این حافظه رو ادامه بدهند. این مسائل تا حدی که من دیدم به صورت تئوریک هست و شما اگه دوست دارید راجع به اسناد و اندیشه پشت اسناد و شکل گیری آرشیو های عمومی و تحقیقی و آنچه که بر فراز اونها می گذره مراجعه کنید بحث اسناد رو به عنوان شأنی از دموکراسی یا اسناد به عنوان تبعیتی از بحث بروکراسی مطرح هست اگر علاقه داشته باشید به این بحث ها برید می تونید براتون نکته ای داشته باشه. اما آیا این اسنادی که جمع شده در مراکز سندی معتبر. اما اگر راجع به ارزش اسناد هم غلو کنید نه این طور نیست در بین اسناد تاریخی اسنادی مثل روزنامه ها اعتبار بسیار کمی دارند حتی از نظر اعتبار روزنامه ها در رتبه ده هم اعتبار ندارند. اسناد هم درجه اول به حساب نمایان تا ببینیم شما چه چیزی رو ازش بخواین. اگر مباحثی است که به طور عام مطرح شده همیشه خب مطرح شده حالا یک سندی هم میاد وسط و شما می تونید بهش ارجاع بدید مثلاً مذاکرات مجلس خب همیشه علنی هست و می نویسند و معطل هم نمی موندند. بعد هم نسخه اصلیش میاد بیرون اما صرف نظر از مسائل سیاسی و بین الملل دولت ها وقایع بزرگ یا مشهور و امثالهم دیگه کسی توی سندها دنبال این جور مطالب نمی گرده مراکز اسناد رفتن دنبال بحث دیگری و بیشتر اون جنبه ای که عرض می کنم دنبالش میرن. من یه چند ماهی رو در

مرکز انگلیس دنبال تحقیقی می رفتیم و می اومدم وقتی می پرسیدم فلان سند رو کجا پیدا کنم با تعجب نگام می کردند. من درباره راه آهن فارس تحقیق می کردم کسی هم به درستی نمی فهمید کجا هست این سند منم این قدر گشتم و گشتم تا داخل اسناد مربوط به راه آهن شمال فرانسه پیدا کردم چرا رفته بود اونجا؟ چون توی جنگ جهانی اول مسئله تدارکات ارزش های متفقین مطرح بود از جمله راه آهن هایی که استفاده کرده بودند راه آهن شمال فرانسه هم بود و دیگه راه آهن فارس رو که ساخته بودند توی همونا گذاشته بودند جز اموال اون اداره ای بود که اون قسمت رو راه میداد یعنی این قدر پرت و نامربوط شده بود ولی این مرکز اسناد انگلیس پر بود از محقق دیگه تقریباً دیر می رفتیم جا گیرت نمی اومد. دیگه ما کنجکاو شدیم چه خبره اینا دنبال چی می گردن من دنبال یه چیزی می کردم اینا چی می خوان. معلوم شد تقریباً نیمی از اینها تحقیق می کنند راجع به تاریخ خانواده ها **Family history** به این معنا که این سندهایی که به هر شکل و اسم و رسمی به هر دلیلی در هر زمانی تولید شده دیگه از نظر محققین برای تاریخ نگاری و بین الملل و جنگ و شرح فلان ماجرا استفاده شده و اهمیتی نداره خیلی بلکه ارزش تحقیق واقعی این سندها برای نوشتن تاریخ خانواده هاست. هر خانواده ای حتماً هم نباید یک خانواده اشرافی بزرگ یا حاکم چیزی باشه توی این سند ها راجع به افراد این خانواده ها مطلب هست مطلبش هم قابل اعتماد هست و اعتبار داره از این جهت یعنی اگر راجع به یک آقایی در یک جزیره ای در یک شغلی در یک پستی چیزی نوشته دلیلی وجود نداره که بگیم غرضی، مرضی، قصدی، برنامه ای برایش بوده باشه که بخوایم تردید کنیم بر صحت اون سند، به همین جهت از کانادا، استرالیا، زلاندون و کجا و کجا یا از خود انگلستان افرادی مراجعه می کردند و اسناد کنسولگری پرتوریا رو می خواست در سال فلان می گفت من در اون سال پدر بزرگم اونجا به دنیا اومده این ثبت و ضبط شده اونجا هر آنچه که در شرح احوالش می تونه باشه در اونجا هست محققین از سراسر دنیا خصوصاً این شهرهایی که اسم بردم خیلی کشورهای دیگه ای هم بود می اومدن راجع به خانواده های انگلیسی که معمولاً از انگلستان رفته بودند و در مستعمرات و جایی و اونجایی شدن دیگه. درباره خانواده شون تحقیق می کردن برای این کار هم چون پیدا کردن این سندها مشکل هست باید کسی کار کرده باشه که بدونه کجا باید دنبال چی بگرده. هر محققى که در اون کشورها وجود داره استخدامشون می کردن و با حقوق خوب و هزینه های سفر و اقامت می فرستادن به این مرکز اسناد انگلیس که براشون بگردن و تاریخ خانواده شون رو پیدا کنند و بنویسند در همون سازمان اسناد انگلیس هم نشسته بودند آماده کار ساعتی شش پوند شما بهشون میدادید می گفتید فلان کار رو برای من بکن می رفت انجام میداد می آورد یا برای من تاریخ خانواده ما رو کار کن، خدمات آرشیو به قولاً ارائه می کردند استفاده از اون آرشیو مجانی بود ولی هر کپی سندی رو بگیری یه چیزی حدود هزار تومان ما می شد ولی اون نه فقط این پول رو می گرفت بلکه هر ساعتی شش پوند هم می گرفت برای اینکه دنبال کارت بره حالا چند ساعت طول بکشه اون دیگه بستگی به کارت داره. دوستانی که در مراکز اسناد کار می کنند اگر یک مطالعه ای راجع به فن نگارش تاریخ خانواده ها، تاریخ خاندان ها و این فنونش رو یاد بگیرید. اونجا من دیدم دانشگاه یک درسی رو داشتن در رشته تاریخ راجع به فن نوشتن تاریخ خانواده دو مجله تخصصی هم دیدم چاپ می شد و منتشر می شد تحت همین عنوان **Family history** یا **Family tree** شجره نامه و استادان اون بخش آگهی داده بودند عکس، شرح آثار نمی دونم رزومه و امثال اینها که ما آماده هستیم قرارداد با شما ببندیم و تاریخ خانواده شما رو بنویسیم و این شده بود یک حرفه ای، یک کارآفرینی بسیار خوب. منتهی یک مقداری آموزش می خواد که من یه مقدارش رو می خوندم ببینم اینا چه کارهایی دارن انجام میدن مراحل کار رو گفته بود شامل مصاحبه، شامل در اختیار گرفتن آلبوم ها، اسناد و مدارک ملکی هر آنچه که لازم هست که بتونن ریشه یک خانواده رو پیدا بکنند و احتمالاً در چه کشورهایی کجاها رفته در اداره اموات، در چه کلیسایی عضو بوده هر فرمولی که بشه رد یک شخص رو گرفت و بدین ترتیب پیدا کرد تاریخ اون خاندان رو حالا از سر شروع کنیم تا بیاد به جلو از این جهت که اسناد و مدارک سجلی برای نوشتن تاریخ خانواده ها معتبر عرض کردم

چون دلیلی ما از قبل نداریم که غرضی، نیت کجی راستی چیزی در مورد کسی بوده باشه به خصوص کسی که پست و مقام و کار خاصی داشته اگر رجال هم بوده باشه مشاهیر باشه از قبل شرح حالشون نوشته شده معتبر است برخلاف اینکه هر سند دیگری اگر بخواد استفاده بشه لازم که اصالت اون سند و صحت محتوایش اول سنجیده بشه اینکه این فقط سند و درست باهش یه مقاله بنویسیم اصلاً دلیل به شمار نیاد. هر سندی یا بایستی در یک پرونده معنا بشه رو روال شکل گیری یک پرونده که در یک اداره ای به طور طبیعی چگونه بوده که معمولاً خیلی مشکل می شه چنین پرونده هایی رو گیر آورد به جز یه جاهایی مثل دادگستری که نظم و نسق بهتری پرونده هاش داشتند یا اینکه باید شواهد بیرونی محتوای یک سند رو بتونه تایید بکنه و الا این طور نیست که هر کاغذی، سندی پیدا شد ما بگیریم این یک سند معتبر و بر اساس اون می شه یک قضاوت و نظری داد این طور نیست. مراحل خاصی رو از نظر شناخت جنس و رنگ و طرح و علایم و نمادها و مطالب تاریخی مندرج در اون بایستی صورت بگیره روزانه تا اثبات بشه یک سندی درست هست یا نیست و من توصیه می کنم که همکارانی که در اینجا هستند یا محققینی که در هر جای دیگری هستند می تونند در اینجا کار کنند و فعالیت کنند این دیگه بستگی به قانون و آیین نامه و ریاست و هر چیزی داره اما می تونه یک تحرک خاصی هم به مراکز اسناد بده منتهی باید ملاحظات اجتماعی، فرهنگی همه اینها رو درش داشت بهر حال جامعه ما هم خصوصیات خاص خودش رو داره بایستی حد و مرزها آنهایی که شدنی هست و شدنی نیست، مشکلی، کمی، زیادی هر چیزی که هست با دقت و هوشیارانه بهش نگاه کرد تا بشه چنین کاری انجام داد. اما اگه صورت بگیره یک شروع جدیدی از فعالیت در زمینه اسناد که احتمالاً مشتریان فراوانی هم داشته باشه من سراغ دارم چند نفری متقاضی چنین کاری در تهران شده بودند بعضی از دوستان من هم از من یه راهنمایی هایی خواستند من چیزهایی بهشون گفتم و رفتن انجام دادن و قرارداد بستند و انجام دادند. خب خیلی ممنونم و متشکر که حوصله کردید.